

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

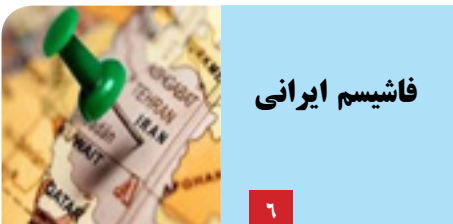
www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۳۶ چهارشنبه ۱۵ تیرماه ۱۴۰۱، ۶ جولای ۲۰۲۲



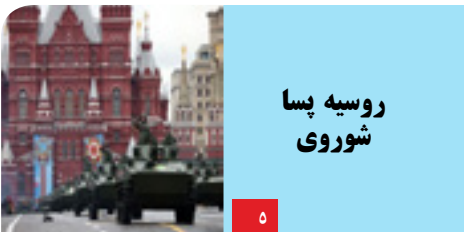
صدور انقلاب
اسلامی

۷



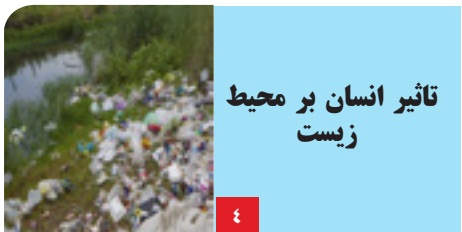
فاشیسم ایرانی

۶



روسیه پسا
شوروی

۵



تأثیر انسان بر محیط
زیست

۴

سخن

ایرانی دگر

کریم پرویزی

پهن کردن فرش قرمز برای تروریست‌ها



"در راستای مبارزه ملیت‌های تحت ستم در ایران است که ما خواهان به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت در این کشور هستیم. این تنها راهی است که بتوان به ملیت‌های تحت ستم اطمینان داد و تنها دلیل ایجاد اتحادی آرزومندانه و ارتباطی ناگسستنی میان آن‌ها در ایرانی دموکراتیک و آزاد است." (دکتر قاسملو، شهریور ۱۳۴۹، افسانه م ماکان).

آن زمان که دکتر قاسملو این جملات را در پاسخ به م. ماکان می‌نوشت، محمد رضا شاه پهلوی در اوج قدرت خود بود و درصدد بودند تا چهار اسبه به سوی دروازه‌های تمدن و پیشرفت بتازند. ایرانی که بنا نهاده بودند، اساسش را بر مبنای انکار تفاوت‌ها و آسمیلیه کردن ملیت‌های غیرفارس درون گفتمان ایرانی — فارسیسم! قرار داده بودند.

رژیم شاه سرنگون شد و آن ایران نیز با به قدرت رسیدن خمینی، پارامتری دیگر بر آن افزون گشت، آن هم معیار ولایت فقیه بود! به این معنا که دیگ جوشانی بود که بیش از پیش سوزان‌تر شد و مردمان متفاوت را در آن می‌ریختند و با ذوب کردنشان تقلا می‌کردند تا مردمانی یکدست با سیمای ولایت تولید کنند!

ایرانی که هم‌اکنون وجود دارد، آتی است که تفاوت‌ها را کشتار نموده و زبان و هویت و خواست و رویاهای متفاوت را به خاطر سیمای ولایت فقیه دچار خفقان می‌کند، آن‌ها را به گرسنگی و مرگ عادت داده تا که خامنه‌ای، بیت او، فرماندهان سپاه و تروریست‌های حزب الله و دیگر گروه‌های میلیشیایی وابسته به خامنه‌ای سیر شوند. این ایرانی که رضا پهلوی بنیان نهاد و محمدرضا و بعدها خمینی و خامنه‌ای نیز دستی در بنیان دوباره آن داشتند، بر مبنای ستمگری و خونریزی و خفقان، تاسیس شده و برای همین هم است که در بزرگ‌ترین بحران

ادامه در صفحه ۳

سبز را به تروریست‌ها نشان ندهید". آنچه روشن است تلاش‌های بلژیک برای تصویب این طرح و قانونی‌کردن نه به خاطر آزادی گروگان‌هایشان در ایران بلکه در راستای بعضی منافع اقتصادی است. به معنایی دیگری بعد از آن کشورهای اروپایی برای مدتی دیگر ثروت ایران را می‌بلعند و در مقابل چشم از حقوق بشر خواهند بست.

از سیاست‌های رژیم ایران که از طریق سپاه پاسداران صورت می‌گیرد در واقع بازداشت شهروندان خارجی به بهانه جاسوسی است که بعد از مدتی با گرفتن پولی کلان یا امتیاز از کشورهای اروپایی روابط آن را با کشورهای خارجی مستمر کرده و متأسفانه تا کنون رژیم ایران در این سیاست موفق بوده است.

بازگرداندن آن به تهران فرش قرمز برای وی پهن کردند و در سطحی بسیار بالا مورد استقبال قرار گرفت و به علت خدمتی که به جمهوری اسلامی کرده بود چندین بار مورد تقدیر قرار گرفت و سمتی عالی به وی داده شد.

در این رابطه ۱۳ عضو دمکرات و جمهوری خواه کنگره آمریکا طی نامه‌ای به نخست وزیران بلژیک خواستار آن شده‌اند که پارلمان این کشور علیه این طرح بایستد و در نامه به آن اشاره شده است که دولت بلژیک نباید مصونیت به تروریست‌ها بدهد.

همچنین بیش از ۴۳۰ فعال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و شمار از خانواده قربانیان تروریسم دولتی جمهوری اسلامی طی اطلاعیه‌ای رو به سیاستمداران بلژیکی هژداری داده و گفته‌اند: "چراغ

طی نامه‌ای مشترک در تاریخ ۱۳ تیرماه برای پارلمان بلژیک نگرانی خود را از را رابطه با پیامدهای بعد از عادی سازی این طرح ابراز کرده‌اند و هشدار داده‌اند که در صورت تصویب این طرح تروریسم رژیم ایران برای عملیات تروریستی نه تنها علیه اپوزیسیون بلکه علیه شهروندان بلژیکی و اروپایی باز خواهد شد. در این نامه به این نکته اشاره شده است که نباید از ببریم که حکم دادگاه میکونوس در رابطه با دادگاهی مجرمان ترور میکونوس و زندانی‌کردن عاملان این ترور در آلمان باعث ایجاد امنیت نسبی در سال‌های بعد از این ترور شد.

کاظم دارابی که متهم اصلی ترور میکونوس بود بعد از آزادی و با استفاده از قانون کاهش مجازات زندان ابد بعد از ۱۵ سال و

شد و بعدها دادگاه بلژیک او را محکوم به ۲۰ سال حبس کرد. در مقابل مبادله‌ی اسدی به تهران، بلژیک هم دو شهروند خود را که توسط رژیم ایران بازداشت شدند را آزاد می‌کنند؛ این معامله سیاسی میان بلژیک و رژیم ایران از این جهت حائز اهمیت است که همچون جناب مصطفی هجری مسئول اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران در مصاحبه‌ای اخیراً گفتند، به موجب این طرح دست رژیم ایران برای ترور در اروپا باز می‌شود و این به معنای "رسمیت بخشیدن به اقدامات تروریستی رژیم ایران در اروپا می‌باشد".

همزمان کمیته حزب دمکرات کوردستان ایران در بلژیک، حزب چپ ایران (فدائیان خلق) جمهوری‌خواهان سکولار و دیموکرات‌های ایران در بلژیک

اخیرا خبری منتشر شد مبنی بر مبادله زندانیان محکوم توسط رژیم ایران و بلژیک، انتشار این خبر موج گسترده‌ای از اعتراضات و نگرانی‌های اپوزیسیون رژیم ایران را در پی داشت.

مجله پلیتیکو در این باره نوشته، زمانی که این طرح توسط پارلمان بلژیک مطرح شد که رهبران کشورهای اروپایی مضطرب از افزایش قیمت انرژی بودند و بدون توجه به پرنسیب‌های حقوق بشری همچون گذشته درصددند که با رژیم ایران ماشاات بکنند.

یکی از تروریست‌های که در صورت تصویب این طرح با رژیم مبادله خواهد شد، اسدالله اسدی دیپلمات — تروریست ایرانی است که در تیر سال ۹۷ به اتهام تلاش برای بمب‌گذاری اجتماع سازمان مجاهدین خلق در فرانسه بازداشت

اطلاعیه‌ی پایان نشست رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران

رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران نشستی را در باره‌ی چند موضوع ومبحث تشکیل داد و بعد از پایان نشست اطلاعیه‌ای را منتشر کرد.

متن اطلاعیه این چنین است:

مورخ ۴ تیر ۱۴۰۱ خورشیدی، نشست مشترک شورای سیاست گذاری و هیئت اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران برگزار گردید که در این نشست رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران آخرین تغییرات و رویدادهای سیاسی ایران و کوردستان را مورد بحث قرار دادند.

نشست با دقیقه‌ای سکوت برای احترام به روح پاک شهیدان کورد و کوردستان آغاز شد و سپس مصطفی هجری مسئول اجرایی حزب دمکرات، دستور کاری جلسه را ابلاغ و پس از تأیید رهبری حزب، هجری نخستین موضوع را با گزارش سیاسی آغاز کرد.

مسئول اجرایی حزب در این گزارش به تفصیل به بررسی وضعیت ایران، منطقه و تحولات و معادلات سیاسی جدید در خاورمیانه و جایگاه و نقش کوردها در این تحولات و احتمالات سیاسی پرداخت.

"هجری" با اشاره به جلسات قبلی رهبری حزب و وضعیت کنونی ایران، وضعیت داخلی رژیم را مورد ارزیابی قرار داده و با اشاره به اعتراضات روزانه بخش‌های ختلف جامعه ایران را که همچنان صدای خود را برای احقاق حقوق خود بلند می‌کنند، حمایت حزب دمکرات را از مبارزات اصناف و قشرهای مختلف جامعه، ملیت‌های تحت ستم و تمامی آزادیخواهان ایران را مورد تأکید مجدد قرار داد.

رهبر حزب در بخشی دیگر از این گزارش، با توجه به جنگ روسیه و اوکراین و مواضع غرب و کشورهای منطقه در قبال آخرین تحولات، سرنوشت پرونده هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم، مذاکرات برجام و دیگر موارد مربوطه را مورد بحث قرار داده و اعلام کرد: اگر در گذشته و پس از آن که جو بایدن قدرت را در دست گرفته بود و امید رژیم ایران به غرب این بود که توافق جدید به زودی انجام شود، اما نه تنها این موضوع حداقل در کوتاه مدت به سمت توافق پیش نمی رود، بلکه سیاست جنگ طلبانه رژیم ایران در منطقه و مسئله موشک‌های بالستیک رژیم و حمایتش از گروه‌های نیابتی و شبه‌نظامیان در منطقه، موجب تغییر جهت رویدادها به ضرر جمهوری اسلامی شده است و امکان توافق را سختتر کرده و این فرصتی برای اپوزیسیون ایران و ملت کورد و بویژه مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران فراهم مینماید تا با مبارزات دیپلماتیک و فعالیت‌های مختلف چهره واقعی این رژیم را در معرض دید جهان خارج قرار دهند.

مسئول اجرایی، در بخش دیگری از این گزارش سیاسی، تمامی تلاش‌ها و نشست‌های گذشته به‌ویژه در خاورمیانه را که میان کشورهای عربی ناراضی از سیاست رژیم ایران در منطقه، پیمان‌عرب و اسرائیل و نقش دولت جدید آمریکا در پیمان ناتو و نیز مسئله همکاری بیشتر، در این پیمان سیاسی و نظامی و نشست و برنامه کاری بعدی آنها که قرار است در روزهای ۲۹ و ۳۰ نوامبر در اسپانیا برای تعیین برنامه ۱۰ سال آینده تشکیل شود، را به مانند پازلی دانست که گروهبندیهای امنیتی، نظامی، اقتصادی، ... را بیشتر دو قطبی می کند، و جنگ منافع را بیش از پیش میان پیمانهای ابراهیم، ۱۲۰۲، ناتو و... از یک سو و تلاش چین روسیه، ایران و... در سوی دیگر

ابراز همدردی مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران با زلزله زدگان هرمزگان

امروز یک‌شنبه ۱۲ تیر، مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران طی پیامی ضمن ابراز همدردی با مردم بلادیده هرمزگان، عدم رعایت استانداردهای شهرسازی و تبعیض سیستماتیک رژیم ایران را از دلایل تخریب و قربانی گرفتن زلزله هرمزگان برشمرد.

متن پیام به شرح زیر است:

در پی وقوع زلزله‌های شدید بامداد روزشنبه ۱۱ تیر در هرمزگان، همراه با ده‌ها پس‌لرزه در روستاهای بندر خمیر، که متأسفانه منجر به کشته شدن ۵ نفر و زخمی شدن بیش از ۴۸ نفر و وارد کردن خسارت به واحدهای مسکونی ساکنان محروم آن منطقه شد، مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران همدردی خود را با قربانیان این زمین لرزه ابراز میدارد.

اگر چه زمین لرزه یکی از بلایای طبیعی می باشد اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نبود استانداردهای جهانی شهرسازی به اضافه عقب ماندگی و فقر مناطق محروم در سایه سیاست‌های تبعض جمهوری اسلامی همیشه با بیشترین قربانی و تخریب همراه بوده است.

در موارد مشابه دیگر مانند زلزله کرمانشاه همچنان که شاهد

برگزاری مراسم تقدیر از زنان در مبارزه در کمپ آزادی



روز یکشنبه ۱۱ تیرماه اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران به منظور تقدیر از زنان مبارزی که دوشادوش همسران مبارز خود در چهارچوب فعالیت‌های اتحادیه زنان تلاش و کوشش کرده و از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نکرده‌اند مراسمی برگزار کرد.

این مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و دقیقه‌ای سکوت به پاس جانفشانی شهیدان کورد و کوردستان آغاز شد.

این مراسم با حضور جمعی از اعضای رهبری، کادر، پیشمرگه و خانواده‌های آنان برگزار شد.

در بخشی از این مراسم شعری تحت عنوان "سالاره ژن" سروده "جمال فتحی" توسط "ژینو حاجی رسولی" خوانده شد.

سپس به زنانی که مدت ۲۰ سال در صفوف مبارزه و در اتحادیه زنان برای برابری و آزادی ملت کورد تلاش کرده‌اند لوح تقدیر اهدا شد.

پس از آن از اعضای اجرایی سابق اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران قدردانی بعمل آمد.

این لوایح تقدیر از سوی "محمد نظیف قادری" معاون دوم مسئول اجرایی حزب دمکرات، "سید علی رحمانی" کادر دیرین حزب، "روناک فتحی" عضو شورای سیاست‌گذاری حزب، "فواد خاکی‌بیگی" عضو دسته اجرایی حزب "شنه درودگر" دبیر اتحادیه زنان "سیران عزتی" جانشین دبیر اتحادیه زنان به آنان داده شد.

در ادامه مراسم لوح تقدیری از سوی "فریده محمدزاده" به اعضای اجرایی پیشین اتحادیه زنان اهدا شد.

در پایان مراسم شعری از سوی "آرو صمدی" تقدیم شد.

جاده‌های لرستان همچنان جان می‌گیرند



تمامی این تصادفات اخیر در استان لرستان در ساعاتی از شب رخ داده که بخشی از علت آن به رانندگان باز می‌گردد و بخش بزرگ علت به نبود امنیت وسایل نقلیه و همچنین جاده‌های غیر استاندارد استان مرتبط است.

"بروجرد به اراک" یک تصادف رخ داده که منجر به مصدومیت ۱۴ نفر شده است.

در پی برخورد یک تریلر با اتوبوس حامل مسافر در منطقه "دودانگه" در محور "بروجرد به اراک" ۱۴ نفر مصدوم شده‌اند.

بر اساس اخبار منتشر شده یک دستگاه "ایسوزو" با دو پراید در شهرستان "کوهدشت" منجر به کشته و زخمی شدن ۱۰ نفر شده است.

این تصادف در تاریخ ۱۰ تیرماه در روستای "گل گل" واقع در محور "کوهدشت به زانوگه" رخ داده است که در پی آن ۴ نفر جان خود را از دست داده و ۶ نفر نیز مصدوم شده‌اند.

همچنین در محور "نهاوند به نورآباد" بر اثر یک تصادف ۸ نفر کشته و زخمی شده‌اند.

در تاریخ ۱۰ تیرماه در پی برخورد دو خودروی سواری در روستای "برخوردار" محور "نهاوند به نورآباد" ۲ نفر کشته و ۶ نفر نیز مصدوم شدند.

در تاریخ ۱۲ تیرماه نیز در محور

اعضا و هواداران حزب دمکرات در پاسخ به تحریفات رژیم ایران فعالیت تبلیغی انجام دادند



اعضا و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران در "سفر" در پاسخ به اقدامات رژیم ایران علیه حزب دمکرات واکنش نشان دادند و فعالیت‌های گسترده تبلیغی انجام دادند.

این فعالیت‌ها در پاسخ به اقدامات اداره اطلاعات رژیم ایران بود که علیه حزب دمکرات در کوچه و خیابان‌های شهر سفر شعارنویسی کرده بودند.

مبارزان دمکرات با نوشتن شعارهایی از قبیل: "زنده باد حزب دمکرات کوردستان ایران"، "راسان مبارزه شار و شاخ" در محله‌های "شاناز، سعدی، سر قبران و

سازمان ملل متحد: طی ۱۰ سال بیش از ۳۰۰ هزار غیر نظامی سوری کشته شدند



جنگ داخلی سوریه میلیون‌ها سوری نیز آواره شده‌اند. در حالی که رژیم "اسد" داشت توسط مخالفانش ساقط می‌شد، رژیم ایران با اعضام نیرو و تجهیزات نظامی که به گفته کارشناسان بیش از ده میلیارد دلار از سرمایه مردم ایران را برای ادامه کشتار و نابودی کشور سوریه هزینه کرده و همچنان این روند ادامه دارد، باعث و بانی تداوم این جنگ خاموش نشدنی است.

اسرائیل تجهیزات سامانه ضدهوایی ارسالی ایران به سوریه را منهدم کرد

ادامه سخن

فرو رفته و فساد و ویرانی سر تا پای این کشور را در بر گرفته و ترس نه فقط سرنگونی رژیم، بلکه فروپاشی خود ایران و ایرانی بودن را نیز در بر گرفته است. وقتی به گفت‌وآنها پوزیسیون خارج از ایران هم می‌نگری تنها بحث از سرنگونی رژیم مطرح نیست بلکه نگرانی فروپاشی ایرانی بودن نیز دارند. این ترس و نگرانی، ترسی واقعی است چرا که ایرانی بودن امروز بر اساس تبعیض و ستم و انکار بنیان نهاده‌اند. گذار از رژیم اسلامی تهران به رژیمی دیگر، فقط و فقط تغییر سیما و چهره‌ها و بر اریکه قدرت نشستن چند کس با نام‌های دیگر نخواهد بود. چرا که اساس این چنین ایرانی بودنی به لرزه افتاده است. ایرانی بودنی که تنها محصول و دست آوردی که برای ملیت‌های غیر فارس دارد، ظلم و ستم است. حتی خود فارس‌ها نیز درون آن به آسودگی خاطر نخواهند رسید چرا که هر از چند گاهی مجبورند به حمایت دیکتاتوری دیگر بپردازند و شریک در سرکوب دیگر ملیت‌ها شوند و آن دیکتاتور بالاخره سراغ خود فارس‌ها نیز خواهد رفت و به کشتار آنان نیز خواهد پرداخت! تنها ایران و ایرانی بودنی می‌تواند تداوم داشته باشد و صلح را برای این منطقه در پی داشته و منجر به توسعه داخلی شود که همچون زنده یاد دکتر قاسملو گفتند؛ تبعیض را محو نموده و هویتی دیگر برای ایرانی بودن تعریف کند. آن ایران نو که ایجاد می‌شود میل آرزومندانه ملیت‌های غیر فارس را جذب کند تا که ایران را مشترکا و با هویتی برابر بنیان بگذارند. شرط تداوم ایران برابری ملیت‌ها در سیاست گذاری است.

دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد در اخیر گزارش خود نسبت به وضعیت حقوق بشر در سوریه ابراز نگرانی کرد و فاش کرد که از ماه مارس ۲۰۱۱ تا مارس ۲۰۲۱، بیش از ۳۰۰ هزار غیرنظامی سوری در نتیجه جنگ داخلی این کشور کشته شدند. در گزارش دفتر حقوق بشر سازمان ملل آمده که طی ۱۰ سال اول جنگ داخلی سوریه، ۳۰۶ هزار و ۸۸۷ غیر نظامی این کشور قربانی جنگ داخلی این کشور شدند.



صبح شنبه ۱۱ تیر کانال ۱۲ اسرائیل گزارش داد که ارتش این کشور محموله ارسالی رژیم ایران به سوریه که شامل تجهیزات سامانه ضدهوایی به سوریه بوده را توسط موشک منهدم کرده است. در گزارش آمده که سپاه تروریست پاسداران در راستای تقویت سامانه ضدهوایی سوریه این تجهیزات را از طریق دریا به این کشور ارسال و پس از تخلیه مورد حمله موشکی قرار گرفته و طعمه حریق شدند.

وزیر خارجه یمن: رژیم ایران صلح و ثبات یمن را به گرو گرفته است



روز جمعه ۱۰ تیر "احمد بن مبارک" وزیر خارجه یمن در گفتگو با شبکه "الحدث" اظهار داشته که رژیم ایران پرونده یمن را به‌طور کامل به کارت گرو برای بازی در مذاکرات هسته‌ای خود با غرب تبدیل کرده است. "بن مبارک" در مصاحبه خود تاکید کرد که دخالت‌های رژیم ایران پیش از هر چیزی باعث درد و رنج مردم یمن شده و علت اصلی تشدید بحران در این کشور است.

میدان گازی "کورمور" اقلیم کوردستان دوباره مورد حمله موشکی قرار گرفت



نگرفته است اما "رویترز" نوشته است که گروه‌های مسلحی که از سوی رژیم ایران حمایت می‌شوند پیشتر مسئولیت حمله‌های مشابه را بر عهده گرفته‌اند. پیشتر نیز و در روز یک‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۰ "سپاه ترویست پاسداران" طی بیانیه‌ای مسئولیت حمله موشکی به "هولیر" را پذیرفته بود.

ایران در عراق مورد حمله قرار گرفته است. پیشتر نیز مقامات اقلیم کوردستان نسبت به فشارهای رژیم ایران و گروه‌های وابسته به آن با هدف عدم صادرات "گاز" اقلیم به اروپا هشدار داده بودند. با وجود این که هنوز هیچ گروهی مسئولیت این دو حمله را برعهده

به گزارش شبکه خبری "روداو" طی سه روز میدان گازی "کورمور" واقع در سلیمانیه اقلیم کوردستان مورد حمله راکتی قرار گرفت. میدان گازی "کورمور" وابسته به شرکت نفتی اماراتی "دانا" است و به گفته رسانه‌های منطقه طی سه روز توسط نیروهای وابسته رژیم

هنری کیسینجر: برجام مقبول رژیم ایران بسیار خطرناک است



اسرائیلی‌ها نیز هشدار داده است فارغ از احیا یا عدم احیای برجام، با توسعه اتمی رژیم ایران مقابله می‌کنند.

هسته‌ای و ساخت موشک‌های بالستیک و پهپادهای انتحاری گفته است: "نتیجه این وضعیت کشورهای منطقه را به سوی واکنش‌هایی سوق داده که می‌تواند وضعیت را انفجاری‌تر کند.

در مصاحبه‌ای که روز شنبه توسط نشریه "اسپکتیتور" از "هنری کیسینجر"، سیاستمدار مطرح و پر نفوذ آمریکایی منتشر کرده "کسینجر" با انتقاد از برجام اولیه هشدار داد که برجام مقبول رژیم ایران بسیار خطرناک است. "کسینجر" هشدار داده است که بازگشت به توافقی که از ابتدا ناکافی بود برای منطقه خطرناک است. این سیاستمدار شناخته شده آمریکایی ضمن انتقاد از توافق برجام اولیه و تلاش‌های مخفیانه رژیم ایران برای دستیابی به سلاح

نخست‌وزیر اسرائیل: نباید در مقابله با تهدیدات رژیم ایران قصور کنیم

نوامبر تشکیل خواهد شد، به طول خواهد کشید. از سوی دیگر "آشویتدپرس" گزارش داد که "لاپید" در همین آغاز نخست‌وزیری‌اش با چالش اقدام‌های حزب‌الله برای تاثیرگذاری بر روند مذاکرات اسرائیل و لبنان درباره اختلافات مرزی مواجه شده است.

پیش بودن یک کارزار انتخاباتی رژیم ایران، حماس و حزب‌الله لبنان منتظر نخواهند ماند و ما باید به طور مداوم در هر عرصه‌ای با آنها مقابله کنیم". نخست‌وزیری "لاپید" که از سه روز پیش با انحلال پارلمان اسرائیل آغاز شده، تا دولت بعدی این کشور که پس از انتخابات پارلمانی اول

روز یک‌شنبه ۱۲ تیر نخستین جلسه کابینه اسرائیل با نخست‌وزیری "یائیر لاپید" انجام شد و وی ضمن تاکید بر حفظ امنیت و ثبات اسرائیل هشدار داد که نباید از رژیم ایران و گروه‌های تروریستی وابسته‌اش غفلت کرد. "لاپید" به عنوان نخست‌وزیر جدید اسرائیل متاکد شد که با وجود در

فرمانده سپاه تروریست فاش کرد که اسرائیل شیرازه نهادهای امنیتی ایران را برهم زده



کوچک و حقیر نپنداریم، چراکه این همان خواستی است که دشمن دارد". رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که اسرائیل به اعماق نهادهای امنیتی و نظامی رژیم ایران و حتی بیت خامنه‌ای نیز نفوذ کرده است.

اعتراف به "مجرّب و کارآزموده" بودن سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل و غرب، گفت دشمن به دنبال این است که با ضربه زدن اعتماد به نفس ما را از بین ببرد و ما را از درون تهی کند. فرمانده سپاه تروریست با درک به ضربه‌های که خوردند، هشدار داد که "باید مواظب باشیم خود را

امروز پنج‌شنبه ۹ تیر، "حسین سلامی"، فرمانده سپاه تروریست پاسداران، در مراسم معارفه رییس جدید سازمان حفاظت اطلاعات سپاه نسبت به کاهش اعتماد به نفس نیروهای امنیتی و نظامی رژیم ایران در مقابل اسرائیلی‌ها هشدار داد. "سلامی" در گفته‌های خود ضمن

تاثیر انسان بر محیط زیست

نیشتمان ارومیه

محیط زیست مجموعه عوامل فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیبا شناختی است که بر افرادو جوامع تاثیر میگذارد و از آن متاثر می‌گیرد، به عبارتی بر فعالیتهای انسان تاثیر می‌گذارد و به عنوان یکی از مولفه‌های عمده در سیاست‌های کلان بین‌المللی کشورها، اهم شاخص‌هایی، مانند شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، قدرت نظامی، سیاست‌های خارجی و داخلی ...و تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این روی می‌توان گفت سازگاری با محیط زیست می‌تواند بستر و پیش نیاز سایر مولفه‌ها و فعالیت‌های کلان باشد، که در صورت ناسازگاری با آن و سرپیچی از آن به عنوان مولفه ی مادر ناهمواری‌های گسترده‌ای بر سر راه توسعه پایدار ظهور

می‌کنند.

با این که کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۳ تشکیل شد؛ و به این نتیجه رسید که در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی میان اقتصاد، امنیت، توسعه و موضوع محیط زیست وابستگی جدی وجود دارد، اما آسپبی که به طور روزافزون در سطح جهانی به محیط زیست وارد می‌شود مدت‌هاست از نظرها پوشیده مانده و بسیاری از مردم به مشکلات مهلک محیط زیستی پیرامون خود توجه چندانی ندارند. میتوان گفت: محیط و انسان دارای اثرگذاری متقابلی بر روی یکدیگر هستند؛ انسان هر آن چه را مطالبه کرده، محیط زیست در اختیارش قرار داده است. اما انسان هر طور خواسته، مطابق امیالش محیط زیست را مورد بهره‌کشی قرار داده است، لذا این تقابل همه چیز در مقابل هیچی بوده است. هر چه انسان به تکامل رسیده و

علم به پیشرفت‌های شگرفی در زندگی انسان دست پیدا کرده، به همان میزان رنج و درد مضاعف را بر محیط زیست تحمیل ساخته، رنج مزمنی که در آینده‌های دور، چه بسا آینده‌ای نزدیک گریبانگیر نسل‌های آینده بشر باشد و توسعه پایدار را در فرورفتگی بحران‌های عمیق زیستی مواجه سازد. انسان با توجه به رفتار و اندیشه‌های زیستی خود محیط را تحت تاثیر قرار می‌دهد، هر چه تکاملش به مراحل فوقانی رسیده، اندیشه طبیعت زدایی پر رنگ شده است. و بیوترورر طبیعت گویاتر و رساتر قابل مشاهده بوده است. به عبارتی از حاصل این دگرگونی، طبیعت به برده ی افکار بشر تبدیل گشته است.

بنابراین می‌توان این گونه نقش انسان را از زباله‌های کنار جاده تا دفع پسماند غیر قابل تجزیه در دل طبیعت، از سیاست جنگل‌زدایی و کویرزایی تا طوفان گرد و

خاک ریزگردها، از خالی کردن سفره‌های آب زیرزمینی و شوری و آلودگی خاک تا آلودگی آب‌ها و غیره مورد ارزیابی قرار داده، که از جمله تصمیمات مخربی هستند که انسان در تقابل با محیط زیست اجرا می‌سازد. اغلب حاصل فعالیت‌هایی است که بشر به ویژه از یکصد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، در طی فرآیند صنعتی شدن، به آنها دست برده و باعث تخریب و آلودگی محیط زیست شده است. که مدتهاست این گونه نابسامانی و لاعلاجی سلامتی بشر را به خطر انداخته است.

لذا این سیاست تخریبی که ماحصل آن دامنگیر نسل حال و در رأس آن آیندگان، که قربانیان اصلی ترویج تروریسم فکری بشر هستند، می‌باشد.

در حقیقت مشکلات و معضلات زیست محیطی ارتباط فراوانی با انباشت سرمایه و نحوه چگونگی

توزیع ثروت، میزان توسعه و رفاه، ضعف برنامه‌های راهبردی در منابع حیاتی و... دارد. با این وجود معضل محیط زیستی هنوز هم به عنوان یک مسئله دست و پاگیر از سوی نهادهای مراکز تصمیم‌گیری به حاشیه رانده می‌شود و استفاده نامشروع از این مقوله به طور سیستماتیک روش‌های بردگی کلاسیک و نوین را مورد تجدید قرار می‌دهند. زیگموند فروید معتقد است؛ مقهور کردن طبیعت بیرونی (محیط زیست) را می‌توان بخشی از همان طرح انسانها برای تحمیل خواسته های خود بر طبیعت سرکش دانست. بنابراین فروید بر این باور است که چگونگی تمدن و پیشرفت و ترقی اجتماعی نه فقط به بهره کشی از طبیعت بستگی دارد،بلکه به مهار کردن برخی جنبه های بالقوه مخرب سرشت درونی نیز وابسته است. جنبه‌هایی که در صورت تسلط

کوردستان

آدمی‌زاد بر آن، طبیعت بیرونی کمتر دست خوش دست‌نشانندگی گروه‌های کنترل سود و سرمایه قرار می‌گیرد. البته نه به این دلیل که انسان تسلیم ابعاد بیرونی طبیعت شده، یا ابعاد مورد بحث را مورد ترحم قرار داده، بلکه به این دلیل است که بشر با مهار طبیعت درونی خویش کمتر مقهور طبیعت بیرونی می‌شود، زیرا در صورتی که هر چه بیشتر محیط زیست دست‌نشانده خواسته‌های بی‌پایان بشر گردد، به همان میزان حتی بیشتر در پی انتقام از انسان برمی‌آید، نمونه بسیار واضح آن خشک شدن دریاچهی ارومیه است که دخالت مدیریت نادرست و دستبرد نامشروع انسان عامل عمده در نابودی آن محسوب می‌شود، در صورتی که تاثیر نابودی آن بر زندگی بومیان منطقه و زیستشان اثرگذاری مخرب و غیر قابل مهاري وجود می‌آورد.

دریافتی از ابهام‌آفرینی تعمدی رژیم

معطوف به دفاع در مقابل تهدیدات سپاه پاسداران و نیروهای نیابتی آن طرح‌ریزی می‌شود. وبنابراین، غرب تمایل دارد تا مقابله با دو منشا اصلی تهدید یعنی چین و روسی را کماکان در اولویت نگه دارد و برای جلوگیری از اثبات قدرتی نوظهور در منطقه، مساعداتی را برای کشورهای خاورمیانه مدنظر قرار دهد. این اقدامات با کارشکنی‌های طرف مقابل در ارائه شفافیت و کاهش مداخلات همراه خواهد بود. رقابتی که هزینه آن را مردم تحت یوغ استبداد مذهبی حاکم بر ایران با تحمل فشار اقتصادی و ایزولاسیون پرداخت می‌کنند. نگرانی کنونی این است که جهان قیام مردم در ایران را به عنوان یک اهرم برای به واداشتن جمهوری اسلامی به مطالبات مشخصی به کار گیرد و دامنه اعمال خشونت رژیم با چشم‌پوشی گسترده‌تر شود.

در این میان نباید هرگز از رهبرتراشی و ایجاد اپوزیسیون ساختگی غافل ماند. مخالفانی مانند سلطنت‌گزینان که نیروهای سرکوبگر سپاه و بسیج را "حافظان تمامیت ارضی" نامیده و آنها را رکن اساسی برپایی حکومتی استبدادی متجانس با رژیم کنونی قلمداد می‌کنند. گروه‌هایی که بیش از پاسخگویی به مطالبات متنوع و متکثر کنونی، به استحکام بخشیدن به پایه‌های قدرتی مسلط می‌اندیشند و تمامی شعارهای ریزودرشت آنها مبتنی بر ادعای "ایران‌دوستی" استوار است. چنین اپوزیسیونی به رژیم کمک خواهد کرد تا با حصول اطمینان از واگرایی اپوزیسیون، کماکان به سیاست ابهام‌آفرینی در سطح بین المللی و سرکوب قهرآمیز داخلی ادامه دهد.

در سطحی نزدیک به قدرت‌هایی همچون چین و روسیه است. این جایگاه که افزایش دامنه نفوذ و هژمونی را در پی داشته، امکان نادیده گرفتن قدرت این رژیم را برای منطقه و البته غرب سخت‌تر خواهد کرد و به هر میزان که افزایش یابد، هزینه اقدامی قاطع را افزایش می‌دهد. چنین اقدامی توافقی غیرعلنی برای حفظ بقای جمهوری اسلامی و در مقابل کاهش سطح تهدید هسته‌ای آن علیه دیگران تلقی می‌شود.

مسئله‌ای که از سوی دولت جمهوری‌خواهان آمریکا به درستی تشخیص داده شده و سازش موسوم به "توافق برجام" به پایان رسید. در واقع، رژیم مسلط بر جغرافیای ایران، با این برنامه یک هدف اساسی داشت و آن دستیابی به یک تضمین درازمدت بقا بود. بنابراین، فرضیه این بوده که تثبیت قدرتی موثر در شرق، پس از روسیه و چین توازنی را در دو سوی یک معادله ایجاد کند و رژیم اسلامی در یک حاشیه‌امن قرار گیرد. هدفی که اگرچه بهای آن بسیار بوده، اما ایجاد تحول در آن رژیم را با پایان یک مسیر پرهزینه راهبردی مواجه خواهد کرد. از همین روی است که سیاست ابهام‌آفرینی برای جمهوری اسلامی اهمیتی حیاتی دارد و عقب‌نشینی از آن به معنای پایان ماراتن نفسگیر هسته‌ای با تقبل شکست است.

طی مدت اخیر و در ادامه همین جدال مبتنی بر دو مولفه ابهام و شفافیت، کشورهای منطقه با پیشدستی آمریکا برای ایجاد یک نیروی نظامی منطقه‌ای شبیه به ناتو و همچنین یک سامانه پدافندی یکپارچه اقداماتی را در دستور کار قرار داده‌اند. آنچه مشخص شده تمامی این فرآیند

آنچه تاکنون مشهود بوده، این است که ابهام‌آفرینی کنونی، احتمال اقدامی فراگیر را به دلیل امکان توانمندی تسلیحاتی جمهوری اسلامی کاهش داده و از سوی دیگر ریسک تقبل هزینه‌های بدون توجیه یک تخاصم کامل را بر دوش متخاصمان گذاشته است. همانطور که بارها عنوان شده، دسترسی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای تهدیدی وجودی علیه رقبای منطقه‌ای خواهد بود، اما در صورت عدم توان دسترسی به آن، توجیهی برای اقدامات خطرآفرین باقی نمی‌گذارد.

بر همین مبناست که غرب تمایلی بیش از حد لازم برای سازش نشان داده و همزمان کارتهای فشاری همچون تحریم‌های گسترده را کماکان دنبال می‌کند. در واقع مشکل از جایی است که غرب نوعی از سازش را دنبال می‌کند که در آن نسبت این ابهام‌آفرینی به حداقل کاهش یافته و شفافیت بر آن جایگزین شود. چنین سازوکاری کارت فشار ابهام در دستان رژیم بی‌اثر خواهد گذاشت.

به همین دلیل نیز، هر از چندگاهی گام‌هایی تحت عنوان "اقدام متقابل" از سوی رژیم در دستور کار قرار می‌گیرد. این اقدام متقابل کاهش میزان شفافیت و افزودن بر میزان ابهام تا سطحی قابل ریسک است.

طی چند سال اخیر و به موازات کاهش تمرکز سیاسی - نظامی غرب در خاورمیانه، جمهوری اسلامی با وجود حفظ رویکردی ابهام‌آفرینی، میزان آن را با سیاست "ترمش قهرمانانه" کاهش داده و از دیگر سو، اقدامات گذشته در جهت اعمال نفوذ منطقه‌ای را شدت بخشید. چنین رویکردی یک راهبرد اساسی را تعقیب می‌کند و آن، تثبیت جایگاه خود در منطقه



محفوظ می‌داند. در همین رابطه، چندی‌پیش علی مطهری طی مصاحبه‌ای به صراحت اعلام کرد این فعالیت‌ها از روز نخست مسیر دستیابی به سلاح اتمی را تعقیب کرده است. وی پس از ۴۸ ساعت، چنین ادعایی را تکذیب کرد و آن را به سوءبرداشت رسانه‌ای نسبت داد. مشخصا باید گفت مطهری از سوی دستگاه‌های سیاست گذاری کلان هشداري را دریافت کرده و برای تصحیح گفته خود، بار دیگر توجیهاتی را طرح کرد.

با این توضیح، تقریبا می‌توان مطمئن شد جمهوری اسلامی سیاست ابهام‌آفرینی تعمدی را تعقیب می‌کند. این اصطلاح اشاره به یک رویه سیاسی دارد

کیوان درودی

نزدیک به دو دهه از افشا شدن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی می‌گذرد. در این دو دهه هیچ تضمینی جز فتوای علی خامنه‌ای برای مسالمت‌آمیز بودن این فعالیت‌ها ارائه نشده و طرف غربی نیز، غیر از نظارت‌های نه‌چندان قابل اتکا، دست به اقدامی قاطع در این مورد نزده است. از سویی دیگر سامان انرژی اتمی ایران، هرگز اجازه بازرسی و نظارت کامل را بر تمام کانون‌های فعالیت خود صادر نکرده و تداوم این رویه را با توجیه سیاست‌زدگی آژانس انرژی اتمی، برای خود

روسیه پسا شوروی

(بحران هویت و پیامدهای آن)



نتیجه:

پوتین، نه دو جنگ جهانی، نه بمباران هسته ای و نه هولوکاست که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را تراژدی قرن می خواند. او به عنوان یک-KGB قدیمی با تفکر امنیتی قوی ضد غربی، می داند که اتحاد جماهیر شوروی فقط شکل ظاهری قدرت و ایدئولوژی نبود، بلکه جهان ذهنی و اساس هویت فرد شوروی، توجیه، انگیزه و موتور مخالفت با غرب بود. فروپاشی این جهان در واقع به معنای فروپاشی همه اصول هویتی، نابودی توجیهات، انگیزه های مخالفت و مخالفت با جهان غرب بود. او که یک عمر به این خصوصت عادت کرده بود، بر اساس همین ذهنیت و ذهن تربیت شده بود و جایی برای تغییر نبود. تمایز و فاصله را حفظ کرد، اما در غیاب هویت واقعی، تنها با انگیزه توهم امنیت. در حالی که اتحاد جماهیر شوروی، مانند سایر عوامل مخالفت غرب با روسیه، نابود شده بود، فاصله و دشمنی خود را با غرب حفظ کرد، او خود را قطب مخالف غرب به ویژه آمریکا می دانست و رفتارشان دهنده همان هویت شوروی با آنها بود. در واقع، اگرچه روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در زمان پوتین بخشی از نظم جهانی و جز آن دسته کشورهایی که دارای ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری بودند شد، اما هرگز بخشی از نظم غربی نشد.

روسیه به عنوان یک قدرت رو به زوال همچنان خود را در توهم قدرت جهانی دوقطبی می بیند و معتقد است که جهان باید بر اساس این دیدگاه با آن رفتار کند. اما جهان و به ویژه آمریکا، برعکس، روسیه را به عنوان یک قدرت جهانی دوقطبی نمی بینند، به ویژه پس از روی کار آمدن باراک اوباما و اهمیت چین در برنامه استراتژی خارجی آمریکا. چین مانوئیست به عنوان جبهه ضد غرب تعریف می شود، چینی که به شدت درگیر توسعه اقتصادی و پیشرفت حرفه ای است، اقتصاد قوی و مسلط در بخش هایی از جهان دارد و به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان پس از ایالات متحده شناخته می شود، روسیه هیچ حرفه پیشرفته و اقتصاد قوی در مقابل طبقات حرفه ای، علمی و پیشرفته به جز نفت، گاز و تجهیزات نظامی ندارد. از دیدگاه روانشناسان، این پدیده ها می توانند زمینه ساز مشکلات و بحران های رفتاری در انسان شوند، پوتین در بحران هویت است، این بحران محصول توهم امنیت است، در ذهن او مخالفت با غرب است و در کنار رفتار غرب، مبنای جنگ طلبی پوتین است. دیدگاه پوتین مبنی بر اینکه رویکرد ناتو به مرزهای روسیه تهدیدی برای روسیه است، ناشی از دو پدیده مهم است: توهم توطئه و توهم قطبیت ضدغربی اتحاد جماهیر شوروی در غیاب مبنای شناختی این هویت.

سرمایه داری. این جهان شناختی اساس تربیت انسان شوروی بود که در ذهنش چارچوبی شناختی برای توجیه مخالفت با دیگری غربی ابداع شد، در واقع، ایدئولوژی یک هویت ذهنی و ظاهری برای انسان شوروی ایجاد کرده بود که مرزهای روشنی با هویت دیگری غربی داشت. اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ فروپاشید. این فروپاشی فقط فروپاشی ظاهری یک دولت نیست، بلکه فروپاشی یک ایدئولوژی، هویت و شکلی از خود در مقابل دیگری غربی است. یعنی تمام پایه های شناختی و ظاهری یک هویت ضدغربی مانند موانع و مرزها از بین رفته است. در این فرآیند همه کشورهای اروپای شرقی که زمانی تحت سلطه این محیط ایدئولوژیک بودند و این هویت را دارند، ادغام در جهان غرب و تبدیل شدن به بخشی از غرب فکری و ژئوپلیتیکی، در این میان تنها روسیه هرگز با دنیای غرب مخلوط نشد. روسیه پس از فروپاشی شوروی، اگرچه بسیاری از مرزهای ذهنی و فکری آن با دنیای غرب آمیخته بود، از نظر ژئوپلیتیکی بخشی از اروپا بود،

اما روسیه پوتین و اتحاد جماهیر شوروی پدیده‌های متفاوتی بودند. مخالفت اتحاد جماهیر شوروی با غرب را به ارث برد و آن را مبنای استراتژی سیاست خارجی و رفتار منطقه ای و جهانی خود قرار داد. اگرچه جهان دو قطبی فروپاشید، اما مرز دو قطبی در ذهن پوتین باقی ماند، اما بدون توجیه ایدئولوژیک، که منجر به شناخت و هویتی متفاوت برای مخالفت با غرب گردید، یعنی اگر زمانی ایدئولوژی لنینیستی این وظیفه را انجام می داد، در غیاب این به عنوان مبنای هویت شوروی، هیچ محیط شناختی نمی توانست خود روس را برای این مخالفت تولید کند. اگرچه ناسیونالیسم روسی تقویت شد، اما به تنهایی برای ایجاد هویت متمایز در غرب کافی نبود. زیرا این شکل از ناسیونالیسم خود بخشی از محیط دنیای غرب بود.

نظامی را به کنترل خود درآورد.

ظهور پوتین در افق سیاسی (روسیه):

سال ۱۹۹۹ پایان دو دوره قدرت یلتسین بود و نمی‌توانست برای سومین بار کاندید رئیس‌جمهوری شود، جنگ قدرت برای جایگزین یلتسین در اوج بود. در چنین وضعیتی کناره‌گیری مصلحتی یلتسین زمینه ظهور پوتین نخست‌وزیر را به عنوان جایگزین ایجاد کرد. این بهترین فرصت برای پوتین بود تا جای پای خود را در قدرت محکم و نفوذ خود را در حلقه قدرت بالاتر ببرد و زمینه موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری ایجاد کند. در واقع تجربه دو جنگ چچن زمینه یک بروکراسی نظامی را در روسیه مهیا کرده بود، این بروکراسی از پشتیبانی روس‌های ناسیونالیست برخوردار بود، نقش پوتین در آغاز و موفقیت در جنگ دوم چچن هائز اهمیت بود بطوری که موفقیت در جنگ دوم چچن پشتیبانی روشن فکران لیبرال را نیز به دنبال داشت. در واقع غلبه تانک‌های روسی در جنگ دوم چچن راه را برای به قدرت رسیدن پوتین در کرملین را هموار کرد و این نشان دهنده وحدت جامعه روسیه در پشتیبانی از پوتین بود. به این ترتیب پوتین در انتخابات ۱۹۹۹ پیروز شد و این آغاز دوره او بود.

(روسیه و بحران هویت:

جهان ذهنی شوروی که روسیه پایه و اساس آن بود، یک محیط ایدئولوژیک بود که به عنوان مارکسیسم-لنینیسم تعریف می شد. این ایدئولوژی شامل شکل گیری معنادار خود اتحاد جماهیر شوروی است. غرب به مثابه دیگری ضد شوروی بود، این خود نماینده اکثریت پرولتاریا بود که علیه اقلیت بورژوازی حاکم به عنوان دیگری مبارزه می کرد. به طور کلی ویژگی های مهم این محیط ایدئولوژیک عبارت بودند از: حزب پیشرو، تصرف قدرت سیاسی بر اقتصاد، انترناسیونالیسم، مخالفت با دموکراسی بورژوایی و ضد

موانع تنوری و شناختی‌اش که ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم بود از میان رفته بود. سرنوشت روسیه به عنوان برج شناختی، فرهنگی و نظامی غرب ستیز در جهان متفاوت‌تر بود.

در اواخر سال ۱۹۹۰ گورباچوف اتحاد جماهیر شوروی را با رفورمی که منجر به ایجاد شورای عالی حضور نظامی، آزادی احزاب و آزادی آیین شد متحول کرد، اما این رفورم رضایت کمونیست‌های رادیکال را جلب نکرد. گورباچوف به هر شیوای تلاش کرد از اتحاد جماهیر حفاظت کند، او سعی کرد اختیارات بیشتری به جمهوری‌های اتحاد جماهیر بدهد، اما بوریس یلتسن جدا شده از حزب کمونیست علیه تمامی اقدامات جبهه گرفت. ماه آگوست همان سال کودتایی صورت گرفت که یلتسین به عنوان قهرمان ملی ظاهر و مردم را علیه کودتاگران به خیابان کشاند و توانست کودتا را خنثی کند. به این شیوه گورباچوف در ۲۴ آگوست از دبیر کلی حزب کمونیست انصراف و پس از چند روز حزب را منحل کرد. یلتسین با شعار دموکراسی به مقام ریاست جمهوری روسیه رسید و تا سال ۱۹۹۹ در آن مقام ماند. ظهور یلتسین آغاز تلاش‌ها برای ایجاد یک نظام نئولیبرالی در روسیه بود. ویژگی‌های این نظام جدید که سعی می‌شد آن را جایگزین کنند احترام به حق مالکیت، ایجاد فرصت برای ظهور بورژوازی و یک نظام اجتماعی بر اساس طبقات بود، بعدها تمام خصوصیات غربی در آن آشکار شد. اما این‌ها تنها نوشته بر روی کاغذ بودند و هیچوقت جامعه عمل بر تن نکرد، روسیه یک کشور صنعتی پیشرفته نبود، نفت و گاز پایه و موضوع اصلی اقتصاد این کشور بود که آن نیز زیر نظر و کنترل دولت بود. یلتسین اگرچه رئیس‌جمهور منتخب روسیه بود و تا حدودی دموکراتیک انتخاب شد اما پایانی بود. در واقع ظهور ولادمیر پوتین به معنی ظهور یک سیستم دسپوتیستی بود که به شیوه هرمی پایه‌های سیاسی، اقتصادی و

رابطه با فساد سیستماتیک در حکومت تک حزبی تغییر داد. درباره طرح "گلاسنوست" نیز باید خاطر نشان شد که به یکباره منجر به بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت و حزب کمونیست شد. انقلاب ایدئولوژیکی که در ۱۹۱۷ امپراتوری تزاری در روسیه را سرنگون کرد، در ادامه به دلیل انباشت بحران‌های سیاسی: مشروعبیت، قاطعیت، توزیع، یکپارچگی، مشارکت و هویت که دلیل ایجاد شکاف میان جامعه و هیئت حاکمه و در عین حال منجر به شکست‌های سیاسی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده بود، در ایجاد ایده‌ال مدینه فاضله کمونیستی ناتوان ماند.

انباشت بحران‌ها در دوران زمامداری رئیس‌جمهور میخائیل گورباچوف به ارائه دو طرح پروستیکا به معنی اقتصاد آزاد و گلاسنوست به معنی آزادی سیاسی از سوی او منتهی شد که به منظور پیشرفت اقتصادی و سیاسی آن را ارائه داد. فضایی که این دو طرح به وجود آورده بود به رشد تفکر ناسیونالیستی در ملل تحت ستم که به اجبار در جغرافیای سیاسی اتحاد جماهیر شوروی گنجانده شده بودند کمک کرد. مهمترین بحران داخلی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۰ افکار ناسیونالیستی جمهوری‌های اوکراین، لتوانی، لتونی و استونی بود که در نتیجه در ۸ مارس ۱۹۹۱ این جمهوری‌ها استقلال خود را اعلام کردند و ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ اتحاد جماهیر شوروی سرنگون و به این شیوه روسیه آلترناتیو اتحاد جماهیر شد.

به سوی روسیه نئولیبرالی:

سرنگونی اتحاد جماهیر شوروی هم از نظر ژئوپولوتیک و هم از نظر ایدئولوژی غرب ستیز هم در فورم ژئوپولوتیک و هم به معنای فرهنگی و مفهومی تمامی موانع پیدایش موج سوم دموکراسی در اروپای شرقی را از میان برد، به این شیوه در ابتدای دهه ۹۰ قرن بیستم میلادی غرب رشد فرهنگ سیاسی، اجتماعی و ژئوپولوتیک گسترده و بی سابقه‌ای را تجربه کرد. این در حالی بود که

شاهو حسینی

روانشناسی سیاسی به عنوان شاخه‌ای از علم روانشناسی به شرایط درونی اتفاقات سیاسی می‌پردازد. این شاخه از روانشناسی به عنوان علمی میان رشته‌ای، دلایل شخصی اعمال و جریان‌های محرک اعمال سیاسی فرد و گروه‌ها را تحلیل می‌کند.

در همین حال روانشناسی سیاسی مدرن علاوهبر وظایف کلی، به شکل دقیق‌تری به سیاست‌های انتخابات، رهبری، نقش و تاثیر رهبران، جبهه‌گیری و موقعیت رهبران، ایدئولوژی‌های سیاسی، خشونت سیاسی و جنگ‌ها می‌پردازد. درواقع این نوع در بسیاری از مواقع به عنوان یک متد می‌تواند زمینه بهتر، واقعی‌تر و مورد اعتمادتر برای فهم صحیح از مشکلات و بحران‌ها را مهیا کند. می‌توان گفت زمینه‌ایست که در آن به خصوصیات درونی مانند شخصیت، فهم، هویت، احساس، آزمون‌های شخصی، جریان‌های ارتباطی و آداب و رسوم تاثیرگذار بر اعمال سیاسی فرد اهمیت داده می‌شود. هدف این علم، فهم صحیح از زمینه‌های روانشناسی مرتبط با موضوع، عمل و پیامدهای سیاسی آن به منظور آشکارسازی ریشه، نتیجه و پیامدهای سیاسی جامعه، رهبران و سیاستمداران است.

ظاهر شدن (روسیه پسا شوروی):

در ابتدای دهه ۸۰ میلادی، اتحاد جماهیر شوروی در وضعیت اقتصادی بحرانی به سر می‌برد، قدرت تولیدات اقتصادی به میزان چشم‌گیری کاهش یافته بود، دیکتاتور نئیدئولوژیک حاکم بر شوروی اجازه تزریق سرمایه خارجی را نمی‌داد، بخش قابل توجهی از سرمایه کشور به تولیدات نظامی اختصاص داده شده بود و شوروی در رقابت شدید نظامی با غرب قرار داشت. این‌ها دلایلی برای ظهور میخائیل گورباچوف در ۱۹۸۵ بود. گورباچوف رفرم‌هایی را آغاز کرد، او با هدف بهبود وضعیت اقتصادی و بازگشایی درها بر روی سرمایه‌داران خارجی "پروستیکا" را ارائه داد، اما این طرح تنها وضعیت را بهتر نکرد بلکه با افزایش تورم در ۱۹۸۹ شوروی را به فروپاشی اقتصادی نزدیک کرد.

گورباچوف با ارائه طرح "گلاسنوست" برای اولین بار امکان بحث، گفتگو و انتقاد آشکار از رهبری حزب کمونیست و تصمیمات این حزب را مهیا کرد، در ۱۹۸۹ مجله‌های آزاد کار خود را آغاز کردند، به این شیوه نارضایتی‌ها از حکومت‌داری حزب کمونیست افزایش یافت، در این برهه زمانی میزان جنایات دوران زمامداری استالین برای اولین بار آشکار شد. این جریان به سرعت بحث‌های عادی مردم در خیابان‌ها و کل جامعه را به بحث‌هایی در

صدور انقلاب اسلامی به عنوان کالایی مخرب

عادل درخشانی



انقلاب در نگاه جامعه شناسان به هر گونه جنبش اجتماعی توده‌ای که به فرایندهای عمده اصلاح یا دگرگونی اجتماعی بیانجامد، نامیده می‌شود.

انقلاب‌های بزرگ به آن دسته از دگرگونی‌هایی گفته می‌شود که با تغییرات اساسی در حکومت و ساختار اجتماعی یک کشور یا جامعه همراه بوده‌اند. از جمله انقلاب‌های تاثیر گذار در تاریخ نه چندان دور، می‌توان به انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب ۱۹۱۷ روسیه اشاره کرد.

همیشه انقلاب در کشورها موضوعی نگران کننده برای همسایگان بوده است، زیرا دگرگونی سریع و عمیق در جامعه که عمدتاً همراه با خشونت هم هست، نتیجه تبدیل نارضایتی‌های ذهنی جامعه به واکنش جمعی و براندازی حکومت است. انقلاب کننده‌ها در چارچوب تفکر و ایدئولوژی رهبران انقلاب هدایت می‌شوند.

ایدئولوژی‌ها دیدی جهان‌شمول دارند و برنامه‌ای منظم را برای کل بشریت در نظر می‌گیرند. لذا به چارچوب مرزهای کشوری که در آن انقلاب صورت گرفته محدود نمی‌شوند و به سرعت جوامع دارای زمینه‌های مشترک فرهنگی و مذهبی را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

این موضوع شامل انقلاب ۱۹۷۹ ایران هم می‌شود. در ایران رهبران مذهبی انقلاب تمام سعی‌شان بر این بود که تفکر انقلابی اسلامی‌شان را به کشورهای دیگر اشاعه دهند و صدور انقلاب مستضعفان را به عنوان برنامه‌ای در رویکرد سیاست خارجی خود در پیش گرفتند.

در نگاه رهبران جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی ایران بر ۵۳ کشور اثر گذار بوده است.

یکی از عناصری که بر فروکش کردن موج انقلاب در کشورهای دیگر اثر می‌گذارد، گذشت زمان است. با گذشت زمان احساسات جوامع مقصد برای انقلاب فروکش می‌کند. اما در طی چهل و سه سال گذشته رهبران نظامی و مذهبی ایران در تلاش بوده‌اند که با ایجاد گروه‌های نیابتی و سیاست‌های مذهبی برون مرزی و با صرف میلیاردها دلار، تفکر انقلابی-عاشورایی خود را به جوامع دیگر صادر نمایند. در همین راستا گروه‌های نیابتی مذهبی خود را در کشورهای دیگر تغذیه مالی، لجستیکی می‌نمایند تا از آنها دولت نیابتی بسازند.

اما اگر به مبدا حکومت شیعی باز گردیم، در کلام سنتی شیعه چیزی وجود ندارد که نشان دهنده تمایل به شرکت در فعالیت سیاسی باشد. در فقه مرسوم شیعه به ندرت به موارد حکمرانی و حکومتی اشاره شده است. این

سنت که به عنوان "سکوت طلبی" شناخته شده است، تصریح می‌کرد که رهبری جامعه صرفاً با ظهور امام مهدی استراحت می‌کند. امام دوازدهم که گمان می‌رود در اکثریت پنهان باشد. مسلمانان تا زمان بازگشت او برای بدست آوردن عدالت به جهانیان، باید حکومت و بت پرستی و ظلم را تحمل کنند. به دلیل غیر سیاسی بودن طبقه مذهبی و علمای شیعه هرگز جایگزینی را برای سیستم حاکم ارائه ندادند.

سکوت‌گرایان شیعه با مراجعه به یک حدیث از امام جعفر صادق (ششمین امام شیعیان) که ادعا می‌کردند، بالا بردن هر پرچم قبل از بازگشت امام مهدی، موضع خود را توجیه کند، بت پرستی است. مطابق این حدیث شیعیان باید از تحمیل اعتقاد واقعی خود به دولت و جامعه، صرف نظر از ماهیت آن خودداری کنند تا به آنها فرصتی برای زندگی در برابر مصیبت‌هایی که توسط حاکمان، ناعادلانه تحمیل می‌شود بیابند. اما خمینی و حلقه اطرافیانش تنها به ایجاد جمهوری اسلامی در ایران اکتفا نکردند. ولایت فقیه ادعا کرد که اختیارات حاکم شرع فراتر از ایران است و شامل "کل" است. در واقع از نظر خمینی دولت ملی یک سازه غربی بود و بخشی از طرح شاهنشاهی-استعمار، بدعت‌گذاری و به معنای کفر در اسلام یاد کرد.

بنابر این آزادسازی مستضعفین مستلزم تبلیغ اسلام و صدور انقلاب است. برای مثال در ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۰ خمینی اظهار داشت "ما در حال جنگ با کفار هستیم، من از همه ملت‌های اسلامی، همه مسلمانان می‌خواهم که به این جنگ مقدس بپیوندند، دشمنان

زیادی وجود دارند که باید نابود شوند. جهاد باید پیروز شود "نمونه بارز آن هم فرمان جهاد علیه کوردستان و با خواندن "اَشْداء علالکفار" بود.

همچنین در پیام سال نو در ۲۱ مارس ۱۹۸۰، اعلام کرد که ما باید تلاش کنیم تا انقلاب خود را به سرار جهان صادر کنیم و باید تمام ایده‌های انجام ندادن آن را کنار بگذاریم. در راستای تفکر صدور انقلاب، آیت الله حسین علی منتظری جانشین آن زمان خمینی، به عنوان پرشورترین تقویت کننده انقلاب اسلامی ظاهر شد.

به گفته منتظری صدور انقلاب به معنای حمایت از ملت‌های تحت ستم (مسلمانان) بود. از گفته‌های دیگر منتظری در همین راستا این که طبق اخلاق اسلامی، مسئولیت کمک به یکدیگر بر عهده مسلمانان است و این کمک باید به قلمرو امور خارجه نیز تسری یابد. در ۲۲ آوریل ۱۹۷۹، خمینی بنیانگذاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (سپاه) را که به سپاه پاسداران معروف است اعلام نمود. در ظاهر سپاه محدود به عملیات داخلی بود، اما کاملاً واضح بود که گسترش تفکر انقلاب نیز در دستور کار سپاه قرار داشت. همان طور که منتظری در گفت‌وگو با فرماندهان سپاه اظهار داشت "شما برادران سپاه باید از اسلام و انقلاب اسلامی محافظت کنید و با تلاش‌های خود انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر صادر خواهد شد". دیری نپایید که سپاه ماموریت خود را با اصطلاحات فراملی توصیف کرد "انقلاب اسلامی هیچ مرزی ندارد" سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کلمه ایران را در عنوان خود نداشت. این بدان معنی است که این نهاد

دیدی فراملی در فعالیت‌های خود دارد.

برای انجام این استراتژی منابع مستقل قابل توجهی در اختیار سپاه قرار گرفت

سپاه با استفاده از تعداد زیادی بنیاد و سایر مؤسسات مانند، بنیاد مستضعفین، بنیاد آستان قدس رضوی، بنیاد شهید، کمیته امداد خمینی، ستاد اجرایی فرمان امام، در ابتدای کار، یک امپراطوری اقتصادی گسترده ایجاد می‌کند که آن را تا حد زیاد از دولت مستقل می‌کند. آنها از برخی دارایی‌های خود مانند شرکت عظیم عمرانی خاتم‌النبیاء، برای ایجاد زیر ساخت گروه‌های نیابتی در لبنان، سودان، سوریه، یمن و سایر مناطق بحران زده استفاده می‌کنند.

دشمنان اسلام، شیطان بزرگ و شیطان کوچک. از نظر خمینی و منتظری و همفکرانشان، غرب دشمن اصلی بود. از این رو در گفت‌مان خمینی، آمریکا شیطان بزرگ و اسرائیل شیطان کوچک نام‌گذاری شدند.

در حالی که ردپای منطق ضد آمریکایی بودن خمینی در چارچوب نگاه ضد امپریالیستی بودن انقلاب ایران قابل مشاهده است. اما غشاء خصومت با اسرائیل در آن زمان روشن نبود.

هیچ چیزی در سنت شیعه وجود ندارد که نشان دهنده علاقه حتی گذرا به موضوع اورشلیم یا بیت المقدس فلسطینیان یا یهودیان باشد. از آنجا که بازگشت مهدی موعود منوط به کنترل هیچ یک از املاک و مستغلات بیت المقدس نیست. مکه و مدینه به عنوان مکانی مقدس محل نزول قرآن بود، مورد پرستش قرار می‌گرفتند.

اما در روند نجات از طریق آمدن مهدی، هیچ ارزش ذاتی ندارند. تا آنجا که روحانیون به مسئله اسرائیل اشاره کردند و این بیانگر این موضوع است که دشمنی با اسرائیل موضوعی سیاسی است نه کلامی.

زیر سازی برای صدور انقلاب؛ جنگ نامتقارن از طریق گروه های نیابتی؛

اگرچه خمینی آمریکا را یک قدرت جعلی عنوان کرد و به خود می‌بالید که این قدرت جعلی را شکست خواهد داد، اما خیلی زود متوجه شدند که رژیمی که می‌خواهند بنیاد بگذارند، به دلیل اختلاف زیاد قدرت نمی‌تواند در یک جنگ متعارف پیروز شود. سرتیب "شیخ مهیم مالک"، یک اسلام‌گرا که در ستاد کل ارتش پاکستان خدمت می‌کرد، در کتاب مشهور خود "مفهوم قرآنی جنگ" راه حلی برای رفع عدم تعادل قدرت ارائه داد. مالک استدلال کرد که بر خلاف استراتژی غرب، جنگ اسلامی ریشه در جهاد دارد. جنگ مقدس که طبق تعریف، نامتقارن بود. در این استدلال جهاد مجاز به انجام عملیات افراطی از جمله حمله انتحاری به سوی کفار دارد. مالک توضیح داد که عملیات افراطی باعث ایجاد ترس و وحشت در بین افراد هدف شده و روحیه دشمن را پایین می‌آورد و قدرت ماندن دشمن در درگیری را از بین می‌برد.

این استدلال به زودی در جنگ بین ایران و عراق عملی گردید و اولین نمونه آن، انتحار دانش آموز "حسین فهمیده" برای منفجر کردن تانک عراقی بود که فرهنگ انتحار را در تفکر انقلابی ایران

تقویت نمود و این عمل با تبلیغات وسیع دستگاه تبلیغاتی رژیم ایران در فرهنگ جهادی گروه‌های مختلف افراطی جای گرفت.

در حالی که نه خمینی نه منتظری استراتژیست نبودند، آنها می‌توانستند به کادری از انقلابیون حرفه‌ای و مبارزان چریکی به رهبری مصطفی چمران اعتماد کنند. چمران فیزیکی‌دانی که در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کرد، در سال ۱۹۵۶ سازمان "تشیع سرخ" را برای آموزش مبارزان شیعه ایجاد نمود. چمران در سفرهای خود به مصر و کوبا ایده‌های خود را تبلیغ کرد و سرانجام در سال ۱۹۷۱ به لبنان نقل مکان کرد. جایی که فلسطینیان وی را با یک شبکه تندرو بین‌المللی در تماس قرار دادند. در سال ۱۹۷۲ "جورج حبش" رئیس جبهه مردمی آزادی فلسطین، کنفرانسی را در "بداوی" اردوگاه پناهندگان فلسطینی در لبنان ترتیب داد. اجلاس بداوی باعث ایجاد مرکز بین‌المللی مقاومت در برابر امپریالیسم، صهیونیسم، نژادپرستی و فاشیسم شد.

اتحاد سست گروه‌های افراطی خاورمیانه که چمران به آن پیوسته بود. وی ارتباط نزدیکی با یاسر عرفات برقرار کرد که به چمران و دیگر مبارزان ایرانی، از جمله پسران خمینی و منتظری پیشنهاد آموزش برای واحد نخبه "فتح فورس ۱۷" را داد.

اما انقلاب ایران نقطه‌ای عطف برای این افراد و گروه‌ها بود. در سال ۱۹۷۹ این کادرهای انقلابی به ایران بازگشتند و در آنجا نقش اصلی را در سپاه پاسداران و سازمان انقلاب توده‌های جمهوری اسلامی ایران "سایتجا" ایفا کردند.

نمایی از نقص حقوق بشر در کوردستان با استناد بر آژانس خبرسانی کوردستان (کردپا)

بی‌خبری از سرنوشت ادریس فقیهی در بازداشتگاه المهدی ارومیه پس از ۱۱ ماه بازداشت



المهدی ارومیه مراجعه کرده‌اند، اما مسئولان این بازداشتگاه خانواده وی را مورد توهین و بی‌حرمتی قرار داده و با نشان دادن عکس چند کشته اعلام کرده‌اند این فرزند شما است. این منبع مطلع در ادامه اظهار داشت: مادر ادریس فقیهی به دلیل نامعلوم بودن سرنوشت فرزندش تهدید به خودسوزی کرده بود، اما مأموران امنیتی به وی توهین کرده و تاکنون مراجعات مکرر وی به بازداشتگاه المهدی ارومیه جهت‌اطلاع از سرنوشت فرزندش

سرنوشت یک شهروند کردپا به نام "ادریس فقیهی"، ۳۷ ساله و اهل سنندج که ۱۱ ماه پیش توسط اطلاعات سپاه در بوکان بازداشت شده، در بازداشتگاه "المهدی" سپاه در ارومیه نامعلوم است. یکی از نزدیکان این شهروند به کردپا گفت؛ ادریس فقیهی در یک درگیری مسلحانه با نیروهای سپاه پاسداران در روستای "علم آباد" بوکان زخمی و سپس بازداشت شده است، اما تاکنون از سرنوشت وی اطلاع دقیقی در دسترس نیست. همچنین علیرغم پیگیری و تلاش‌های خانواده او جهت اطلاع از سرنوشت فرزندشان در نهادهای امنیتی بوکان و ارومیه، نیروهای امنیتی به آنها اعلام کرده‌اند که ادریس فقیهی جان باخته، اما پس از بازگشت خانواده وی به سنندج، یکی از نیروهای لباس شخصی به آنها اعلام کرده که فرزندشان زنده است.

این منبع مطلع افزود: چندین بار خانواده فقیهی جهت اطلاع از سرنوشت فرزندشان به بازداشتگاه

خیرالله حق‌جویان، عضو مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان به یکسال حبس محکوم شد



مدنی یارسان از بدو بازداشت دست به اعتصاب غذا زده بود. روز یکشنبه سیزدهم تیرماه ۱۴۰۰، سیاوش حیاتی، سید امین عباسی، داریوش حیدری، شاهرخ صائمان، پیام رضایی و نوشاد طاهری از فعالان مدنی یارسان در حمایت از خیرالله حق‌جویان دست به اعتصاب غذا زدند و روز سه‌شنبه پانزدهم تیرماه ۱۴۰۰ به اعتصاب غذای خود پایان دادند.

شیوه موقت تا پایان مراحل دادرسی از زندان دیزل‌آباد کرمانشاه آزاد شد. صبح روز دوشنبه هفتم تیرماه ۱۴۰۰، خیرالله حق‌جویان توسط دادستانی شهرستان کرمانشاه احضار و پس از بازجویی به اتهام "توهین به مقامات و مقدسات حکومت ایران" و امتناع ایشان از قبول وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی برای آزادی موقت به دلیل عدم پذیرش موارد اتهامی روانه زندان دیزل‌آباد کرمانشاه شد. این عضو مجمع مشورتی فعالان

خیرالله حق‌جویان، عضو مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان توسط دادگاه انقلاب شهرستان صحنه به یکسال حبس محکوم شد.

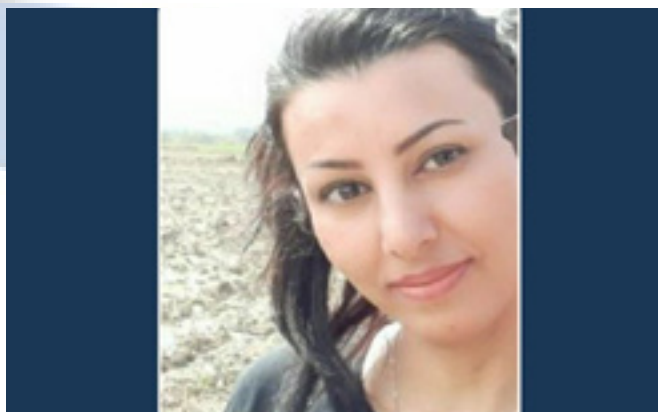
یک منبع مطلع در رابطه با جزئیات پرونده آقای حق‌جویان به کردپا اعلام کرد: دادگاه انقلاب صحنه این فعال یارسانی را به اتهامات "تشکیل مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان"، "شرکت در تجمعات اعتراضی" و "تبلیغ علیه نظام" به یکسال حبس محکوم و این حکم روز شنبه بیست و یکم خردادماه به وی ابلاغ شده است.

این منبع مطلع افزود: یازده ماه از محکومیت خیرالله حق‌جویان به مدت پنج سال تعلیق درآمد و یکماه از آن قابل اجراء است.

این منبع مطلع اظهار داشت: خیرالله حق‌جویان به حکم دادگاه بدوی اعتراض کرده است.

روز چهارشنبه شانزدهم تیرماه ۱۴۰۰، این عضو مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان با تودیع قرار وثیقه پانصد میلیون تومانی به

زهره دوستی جهت اجرای حکم یکسال حبس به کانون اصلاح و تربیت سنندج منتقل شد



و تربیت سنندج منتقل شده است. خانم دوستی بعد از بازداشت در سال ۱۳۹۸ در شعبه اول دادگاه انقلاب سقز به ریاست قاضی "جواد مصطفایی" به اتهام "عضویت در حزب کومله کردستان ایران" به یکسال زندان محکوم شده بود.

زهره دوستی بعد از مدتی به عضویت "کومله زحمتکشان کردستان" درآمد، سپس آبان‌ماه ۱۴۰۰ با دریافت امان‌نامه دوباره به ایران بازگشته و این‌بار حکم قبلی و تعلیقی او به صورت تعزیری به اجرا درآمده و او طی روزهای گذشته به کانون اصلاح

زهره دوستی، شهروند اهل سنندج جهت اجرای حکم یکسال حبس بازداشت و به کانون اصلاح و تربیت سنندج منتقل شد.

یک منبع آگاه در این‌باره به کردپا گفت: بازداشت و اجرای حکم زندان خانم دوستی در ارتباط با حکم تعلیقی پیشین او بوده که بعد از بازداشت برای بار دوم به اجرا درآمده است.

این منبع خاطرنشان کرد: او پیشتر عضو "حزب کومله کردستان ایران" بوده و اواخر شهریورماه ۱۳۹۸ با دریافت امان‌نامه از طریق مرز بانه به ایران بازگشته است، اما بعد از بازداشت به اتهام عضویت در حزب مذکور به یکسال حبس تعلیقی محکوم شده است.

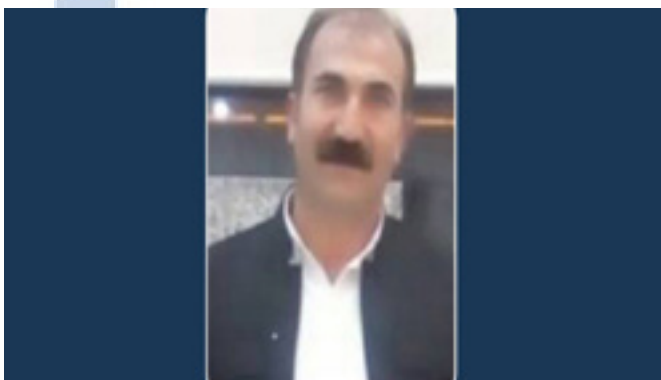
سنندج؛ مکائیل منبری بازداشت شد



روز چهارشنبه هفتم تیرماه، یک شهروند کردپا به نام "مکائیل منبری" اهل روستای "تیهیر" ساکن سنندج توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. به گفته یک منبع مطلع، هنگامیکه این شهروند جهت تعمیر ماشین شخصی به مغازه مکانیکی مراجعه کرده، مأموران امنیتی بدون ارائه حکم قضایی وی را بازداشت و او را به مکان نامعلومی منتقل کردند.

تا لحظه انتشار این خبر، از دلیل بازداشت مکائیل منبری و اتهامات مطروحه علیه وی اطلاعی در دسترس نیست. بامداد روز سه‌شنبه بیست و پنجم خردادماه ۱۴۰۰ نیز، نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قضایی این شهروند را بازداشت و روز شنبه

حکم حبس محمدخالد حمزه‌پور در دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید شد



بدون ارائه حکم قضایی این شهروند را بازداشت کرده بودند. این شهروند طی مدت بازداشت از "دسترسی به وکیل" و "ملاقات با خانواده" محروم بوده است. آذرماه ۱۳۹۹، نیروهای امنیتی

حکم پنج سال حبس محمدخالد حمزه‌پور، شهروند اهل روستای "خانلر" از توابع اشنویه در دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید شد. حکم تأیید حکم حبس این شهروند طی روزهای اخیر به وی ابلاغ شده است.

محمدخالد حمزه‌پور از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب اشنویه به ریاست قاضی "رضایی" به اتهام "عضویت و همکاری با یکی از احزاب کردپا اپوزیسیون حکومت ایران" به پنج سال حبس محکوم و این حکم روز یکشنبه هفتم فروردین‌ماه سال جاری به وی ابلاغ شده بود.

روز پنج‌شنبه چهارم دی‌ماه ۱۳۹۹،

بازداشت یک شهروند مهابادی توسط نیروهای امنیتی



بازداشت و اتهامات مطروحه علیه نادر یازیدی‌آذر اطلاعی در دسترس نیست.

پیگیری‌های خانواده این شهروند کردپا جهت اطلاع از سرنوشت وی بی‌نتیجه بوده است. تا لحظه انتشار این خبر، از دلیل

شامگاه روز یکشنبه پنجم تیرماه، یک شهروند کردپا به نام "نادر یازیدی‌آذر" ۳۰ ساله فرزند قادر اهل روستای "لج" از توابع مهاباد از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

به گفته یک منبع مطلع، نیروهای امنیتی بدون ارائه حکم قضایی این شهروند را در پلیس راه میان‌دواب — مهاباد بازداشت کرده‌اند. تاکنون